

پژوهش‌های سندی و دلالتی حدیث

«محاسن کلام» از امام رضا (علیه السلام)

دریافت: ۱۳۹۵/۸/۲۴ پذیرش: ۱۳۹۵/۱۱/۲۰

سیدعلی دلبری^۱

چکیده

سخنان نورانی پیشوایان دینی راهگشای زندگی و آشنایی با آن مایه رشد و تکامل حقیقی آدمی است. حدیث «محاسن کلام» یا احیای امر، از سخنان گهربار عالم آل محمد، امام رضا (علیه السلام) و دو منبع اصلی آن عیون و معانی الأخبار شیخ صدوق است. این پرسش که «در این حدیث مراد از احیای امر و محاسن کلام چیست؟» محل بحث این جستار است. این نوشتار به روش توصیفی - تحلیلی ضمن بررسی سندی و دلالتی روایت یادشده، نشان می‌دهد که این روایت از نظر سند و محتوا صحیح و احیای امر ائمه (علیهم السلام) به شناخت معارف آنان است. این روایت امر ائمه را علوم و فرهنگ اهل بیت (علیهم السلام) و روش احیای آن را برگزاری مجالس و تشکیل کلاس‌های معرفت‌افزایی معرفی می‌کند. در این حدیث شریف امام (علیه السلام) تعلّم و تعلیم سخنان زیبای اهل بیت (علیهم السلام) را از آن رو که همسو با فطرت انسان‌هاست، موجب زنده نگه داشتن نظام ولایی دانسته است.

کلیدواژه‌ها:

امام رضا (علیه السلام)، محاسن کلام، احیای امر ائمه، بررسی سندی و دلالتی، اهل بیت (علیهم السلام).

۱. دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه علوم اسلامی رضوی: saddlebari@gmail.com

در آمد

احادیث گنجینه گرانسنگ منابع معرفتی اندیشه اسلامی است. هر فرد محقق و دین‌شناس نیازمند مراجعه به متون حدیثی است. در این میان، یکی از هزاران حدیث در معارف زلال وحی و ذرر ناب آل عصمت و طهارت (علیهم‌السلام) روایت معروف «محاسن کلام» یا «احیای امر» از سخنان گهربار امام‌رضا (علیه‌السلام) است که عیون أخبار الرضا و معانی الأخبار شیخ صدوق منبع اصلی آن است و منابع دیگر از این دو منبع نقل نموده‌اند.

این حدیث به نقل شیخ صدوق در کتاب عیون أخبار الرضا و نیز در معانی الأخبار با سند متصل خود از امام‌رضا (علیه‌السلام) چنین آمده است:

«حَدَّثَنَا عَبْدُ الْوَاحِدِ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْوَيْسِ النَّيْسَابُورِيُّ الْعَطَّارُ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ قُتَيْبَةَ النَّيْسَابُورِيُّ عَنْ حَمْدَانَ بْنِ سُلَيْمَانَ عَنْ عَبْدِ السَّلَامِ بْنِ صَالِحِ الْهَرَوِيِّ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا الْحَسَنِ عَلِيَّ بْنَ مُوسَى الرَّضَا (عَلَيْهِ السَّلَامُ) يَقُولُ رَحِمَ اللَّهُ عَبْدًا أَحْيَا أَمْرَنَا فَقُلْتُ لَهُ وَكَيْفَ يُحْيِي أَمْرَكُمْ قَالَ يَتَعَلَّمُ عُلُومَنَا وَيُعَلِّمُهَا النَّاسَ فَإِنَّ النَّاسَ لَوْ عَلِمُوا مَحَاسِنَ كَلَامِنَا لَا تَبْعُونَا.» (شیخ صدوق از عبدالواحد بن محمد بن عبدوس نیشابوری العطار نقل می‌کند که او از علی بن محمد بن قتیبه نیشابوری روایت و ایشان نیز از حمدان بن سلیمان نقل کرده است که عبدالسلام بن صالح اباصلت هروی می‌گوید: «از امام‌رضا (علیه‌السلام) شنیدم که چنین می‌فرمود: خداوند رحمت کند کسی را که امر ما را زنده کند. (راوی حدیث گوید): به امام گفتم: چگونه امر شما را زنده نماید؟ حضرت فرمودند: علوم ما را فرا گیرد و به مردم بیاموزد، زیرا اگر مردم از زیبایی‌ها و محاسن کلام ما آگاه گردند، پیرو ما خواهند گشت.) (ابن بابویه، ۱۳۷۸ ق.)

۱. در ادامه حدیث، راوی گوید: «عرض کردم: از امام صادق (علیه‌السلام) برای ما روایتی نقل شده است که آن حضرت فرمودند: هر کس مطلبی را یاد بگیرد تا با افراد نادان و سفیه جدال کند یا با علما به مباحثات و فخر فروشی بپردازد و جماعتی از مردم را به سوی خود متوجه کند، چنین شخصی اهل جهنم است. امام‌رضا (علیه‌السلام) فرمودند: جدم درست فرمودند. آیا می‌دانی سفها و نادانان چه کسانی هستند؟ عرض کردم: نه، ای فرزند رسول خدا! حضرت فرمودند: آنان داستان‌پردازانند. آیا می‌دانی علما چه کسانی هستند؟ عرض کردم: خیر یابن رسول الله! حضرت فرمودند: آنان علمای آل محمد (علیهم‌السلام) هستند که خداوند اطاعت و دوستی‌شان را واجب کرده است. سپس فرمودند: آیا می‌دانی منظور آن حضرت از اینکه فرموده‌اند «تا مردم را به سوی خود متوجه کند» چه بوده است؟ عرض کردم: خیر. فرمود: به خدا قسم، منظور آن حضرت، ادعای نابجا و ناروای امامت است، و هر کس چنین کند، اهل جهنم خواهد بود.»

ج ۱: ۳۰۸، ج ۶۹؛ همان، ۱۳۶۱: ۱۸۰؛ حر عاملی، ۱۴۱۶ق، ج ۲۷: ۹۲، ج ۳۳۲۹۷.

این پرسش که «مراد از احیای امر و محاسن کلام چیست؟» محل بحث این جستار است. در این نوشتار برآنیم تا ضمن بررسی تحلیلی سند و واکاوی دلالت روایت با کشف مراد جدی معصوم، به بحث و بررسی این حدیث از دو جهت سندی و دلالتی آن بپردازیم.

الف) بررسی سندی

برای ارزیابی سند یک حدیث باید ضمن اعتبارسنجی مؤلف و کتاب او، به شرح حال رجالی تک‌تک راویان پرداخت. این حدیث را شیخ صدوق در دو کتاب خود عیون أخبار الرضا و معانی الأخبار با سند متصل از امام‌رضا (علیه‌السلام) نقل کرده است. انتساب این دو کتاب شریف به شیخ صدوق بر کسی پوشیده نیست، چنان‌که شهرت این دو کتاب در میان شیعیان و اهل تحقیق، ما را از بررسی واسطه‌ها تا خود شیخ صدوق که در اجازات در مظان خود آمده است، بی‌نیاز می‌کند. بر این اساس، روات زنجیره سند از خود شیخ صدوق تا امام‌رضا (علیه‌السلام) پنج راوی به شرح زیر است:

۱. محمد بن علی بن الحسین معروف به شیخ صدوق، از بزرگان شیعه و مورد وثوق همه عالمان است. تمامی رجالیان زبان به مدح او گشوده و از او به بزرگی یاد کرده‌اند. شیخ طوسی می‌نویسد: «جلیل‌القدر حفظة بصیر بالفقه و الأخبار و الرجال.» (شیخ صدوق فردی بزرگوار، حافظ و آگاه به فقه، روایات و دانش رجال است.) (طوسی، ۱۴۲۷ق: ۴۳۹).

مرحوم نجاشی آورده است: «محمد بن علی بن الحسین بن موسی بن بابویه القمی أبو جعفر نزیل الری شیخنا و فقیهنا و وجه الطائفة بخراسان و کان ورد بغداد سنة خمس و خمسين و ثلاثمائة و سمع منه شیوخ الطائفة و هو حدث السن. و له کتب

کثیرة.» (ابوجعفر بن بابویه ساکن شهر ری، شیخ و فقیه ما و شخصیت معروف شیعیان در خراسان بود. او در سال ۳۵۵ در جوانی به بغداد سفر و بزرگان شیعه از او کسب فیض کرده‌اند. وی دارای کتب زیادی است.) (نجاشی، ۱۴۱۶ق: ۳۸۹، ش ۱۰۴۹).

۲. عبدالواحد بن محمد بن عبدوس، اگرچه در رجال درباره وی توثیقی نرسیده بلکه در کتب رجال متقدمین ذکر نشده است، لکن به نظر می‌رسد از بزرگان شیعه و ثقه است. وثاقت وی را با تجمیع قراین احراز می‌کنیم؛ مانند اینکه اولاً: ایشان از مشایخ مکثر حدیث و استادان به‌نام و معروف شیخ صدوق است که در من‌لایحضرالفقیه از او نقل حدیث نموده (ابن بابویه، ۱۴۱۰ق، ج ۳: ۳۷۸؛ ج ۴: ۴۱۹) و در وسائل‌الشیعه مرحوم حرّ عاملی ۱۵۴ روایت از شیخ صدوق از طریق ایشان آورده است. آیت‌الله بروجردی بر این باور است که کثرت نقل افرادی چون شیخ طوسی، شیخ مفید، شیخ صدوق یا دیگر بزرگان از یک راوی، بر وثاقت او دلالت دارد (بروجردی، ۱۴۲۰ق، ج ۳: ۲۳۱ و نیز وحید بهبهانی، ۱۴۰۴ق: ۵۰؛ حائری، ۱۴۱۶ق، ج ۱: ۹۰). ثانیاً: شیخ صدوق برای او ترضی نموده است و به باور برخی مانند علامه وحید بهبهانی، مرحوم کاظمی، ابوعلی حائری، علامه نمازی ترجم (رحمه‌الله گفتن) و ترضی (رضی‌الله‌عنه گفتن) و هرگونه دعای خیر بزرگانی همچون مرحوم کلینی، شیخ صدوق و شیخ طوسی از شخصی دلیل آن است که آن راوی از شخصیت‌های برجسته و مورد اعتماد بوده است (وحید بهبهانی، ۱۴۰۴ق: ۵۳؛ اعرجی کاظمی، ۱۴۱۵ق، ج ۱: ۱۳۴-۱۳۵؛ حائری، ۱۴۱۶ق، ج ۱: ۹۲؛ مامقانی، ۱۳۵۲ق، ج ۱: ۲۱۰؛ همو، ۱۴۱۱ق، ج ۲: ۱۳۰ و ۲۷۵؛ نمازی، ۱۴۱۲ق، ج ۱: ۵۹). و ثالثاً: از همه مهم‌تر اینکه ابن بابویه روایت مفصلی را درباره اصول و فروع دین اسلام از عبدالواحد بن محمد بن عبدوس از علی بن محمد بن قتیبه از فضل بن شاذان از امام رضا (علیه‌السلام) نقل کرده سپس به نقل دیگر روایت از طریق حمزه بن محمد علوی به اسناد خود از فضل بن شاذان اشاره کرده است و پس از ذکر اختلافات این نقل با نقل دیگر، می‌افزاید: «و حدیث عبدالواحد بن محمد بن عبدوس رضی‌الله عنه عندی اصح» (ابن بابویه، ۱۳۷۸ق، ج ۲: ۱۲۷). از این‌رو، حضرت امام خمینی (ره) به تبع استاد خود آیت‌الله بروجردی از عبارت «صدوق و ثاقت عبدالواحد» استفاده کرده‌اند

آنجا که می‌نویسد: «و هو توثیق رجال السنند سیما عبد الواحد» (بروجردی، ۱۴۱۶ق، ج ۲: ۲۴۰؛ خمینی، ۱۴۱۵ق، ج ۲: ۸۳؛ بحرانی، ۱۴۱۳ق: ۲۷۹).

۳. علی بن محمد بن قتیبه نیشابوری معروف به قُتیبی امامی ثقة است.

نجاشی درباره وی می‌گوید: «علی بن محمد بن قتیبه النیشابوری علیه اعتماد أبو عمرو الکشی فی کتاب الرجال أبو الحسن صاحب الفضل بن شاذان و روایة کتبه» (نجاشی، ۱۴۱۶ق، ۲۵۹، ش ۶۷۸). مرحوم کُشی در رجال بر قُتیبی اعتماد نموده است. کنیه وی ابو الحسن است. وی شاگرد فضل بن شاذان و راوی کتب ایشان است.

علامه حلی او را ستوده است: «علی بن محمد بن قتیبه و يعرف بالقتیبی النیشابوری أبو الحسن تلمیذ الفضل بن شاذان فاضل علیه اعتماد أبو عمرو الکشی فی کتاب الرجال» (حلی، ۱۳۸۱ق: ۹۴، ش ۱۶). ابو الحسن علی بن محمد بن قتیبه نیشابوری معروف به قُتیبی، شاگرد فضل بن شاذان و فرد فاضلی است و مرحوم کُشی در رجال بر قُتیبی اعتماد کرده است.

توثیق وی را از طریق تجمیع قراین ثابت می‌کنیم، از این رو که مورد اعتماد کُشی بوده و صاحب و تلمیذ فضل بن شاذان و نیز شیخ طوسی و علامه حلی از او تعبیر به فاضل نموده‌اند. (طوسی، ۱۴۲۷ق، ۴۲۹؛ حلی، ۱۳۸۱ق: ۹۴، ش ۱۶). چنان که گذشت، شیخ صدوق نسبت به سندی که قُتیبی و عبدالواحد در طریق آن واقع شده بودند، تصحیح نمود (ابن بابویه، ۱۳۷۸ق، ج ۲: ۱۲۷) لذا برخی از محققان و رجال شناسان معاصر می‌گویند: «با توجه به اینکه صدوق علیه‌الرحمه اصالة‌العدالة‌ای نیست و در امر توثیق افراد نیز همانند استاد خودش ابن ولید بسیار سختگیر است، می‌توانیم «علی بن محمد بن قتیبه» را مورد اعتماد بدانیم» (شبیری زنجانی، ۱۴۱۹ق، ج ۸: ۲۵۵۴). بنابراین، افزون بر مدح شیخ طوسی و علامه حلی، بودن راوی از مشایخ کُشی (مامقانی، ۱۳۵۲ق، ج ۱: ۳۹؛ بحرانی، بی تا، ج ۱۳: ۲۲۱) و تصحیح سند توسط شیخ صدوق که برخی این دو را از توثیقات عمومی بر شمرده‌اند (وحید بهبهانی، ۱۴۰۴ق: ۵۰؛ اعرجی کاظمی، ۱۴۱۵ق، ج ۱: ۱۳۵) می‌تواند قراینی بر توثیق قُتیبی باشد.

۴. حمدان بن سلیمان به تصریح رجالیان امامی ثقه است. نجاشی و علامه حلی به وثاقت و جلالت وی تصریح نموده‌اند: «حمدان بن سلیمان ابوسعید النیشابوری (النیشابوری) ثقة من وجوه أصحابنا ذکر ذلك أبو عبد الله أحمد بن عبد الواحد» (نجاشی، ۱۴۱۶ق: ۱۳۹، ش ۳۵۷؛ حلی، ۱۳۸۱ق: ۶۲، ش ۲). حمدان بن سلیمان نیشابوری فردی ثقه و از شخصیت‌های معروف شیعه است. این توثیق را احمد بن عبدالواحد نقل کرده است.

۵. عبدالسلام بن الصالح الهروی نیز امامی ثقه است. مرحوم نجاشی و علامه حلی وی را فردی ثقه و صحیح‌الحديث شمرده‌اند: «عبدالسلام بن صالح أبو الصلت الهروی روی عن الرضا (علیه السلام) ثقة صحیح‌الحديث. له کتاب وفاة الرضا (علیه السلام)» (نجاشی، ۱۴۱۶ق: ۲۴۵، ش ۶۴۳؛ حلی، ۱۳۸۱ق: ۱۱۷، ش ۲). اباصلت هروی از امام رضا (علیه السلام) نقل حدیث می‌کند. وی فردی ثقه و صحیح‌الحديث است و کتاب وفات امام رضا (علیه السلام) از اوست.

در نتیجه، سند حدیث متصل به معصوم و رجالیان، تمامی روات را امامی می‌دانند و به وثاقت سه نفر تصریح نموده و نسبت به عبدالواحد بن محمد بن عبدوس و قتیبی گرچه تصریح به وثاقت ننموده‌اند، ولی این دو راوی نیز با تجمیع قراین توثیق شده‌اند (بروجردی، ۱۴۱۶ق، ج ۲: ۲۴۰؛ خمینی، ۱۴۱۵ق، ج ۲: ۸۳). بر این اساس، بنا بر تحقیق، تمامی روات امامی ثقه‌اند، پس روایت صحیح‌السند است.

راهکار دیگری که بنا بر برخی مبانی در ارزیابی سند قابل استفاده است، مقوله تعویض سند است؛ چه اینکه با تبدیل و تعویض سند، مشکل عبدالواحد حل می‌شود. شیخ حرّ عاملی با این سند از کتب شیخ صدوق ۱۴۲ حدیث نقل می‌کند: مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ عَبْدِ الْوَاحِدِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِوسٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ قُتَيْبَةَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شَاذَانَ... (حرّ عاملی، ۱۴۱۶ق، ج ۱: ۲۵۱، ۲۵۵، ۳۶۷، ۳۹۴، ۴۴۰ و ۴۶۱). درباره «عبدالواحد بن محمد بن عبدوس» در کتب رجال توثیق صریحی نرسیده است؛ از این رو، آیه‌الله خویی وی را مجهول‌الحال می‌داند (خویی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۲: ۴۲، ش ۷۳۶۹). نتیجه این دیدگاه ضعیف شمردن این تعداد از احادیث خواهد بود؛ لکن

شیخ طوسی در الفهرست پس از نقل کتب فضل بن شاذان، طریق دیگری را از شیخ صدوق به کتب فضل بدین‌گونه آورده است: «أخبرنا (بروایاته و کتبه) أبو عبد الله عن محمد بن علي بن الحسين عن محمد بن الحسن عن أحمد بن إدريس عن علي بن محمد بن قتيبة عن الفضل» (طوسی، بی تا: ۳۶۱، ش ۵۶۴). از آنجا که در طریق فهرست ابن عبدوس واقع نشده است، مشکل روایات صدوق از کتب فضل از ناحیه ابن عبدوس با تبدیل سند مرتفع می‌گردد (دلبری، ۱۳۹۱، ۲۴۵؛ صدر، ۱۴۰۸، ج ۳: ۲۳۹؛ داوری، ۱۴۱۶: ۱۰۳-۱۱۶).

ب) بررسی دلالی

محتوا و دلالت‌های متن حدیث ضمن نکات زیر بررسی می‌شود.

۱. دعای امام

این حدیث با جمله «رَحِمَ اللهُ عَبْدًا» آغاز شده که امام‌رضا (علیه‌السلام) در حق بنده‌ای که امر اهل بیت (علیهم‌السلام) را احیا نماید، دعا فرموده و رحمت خدا را برای او طلب نموده‌اند. واضح است، کسانی چون ائمه معصومین (علیهم‌السلام) که به خدا نزدیک‌ترند، به دلیل قرب و مرتبه بالای عبودیتی و مقام معنوی، دعایشان زودتر اجابت می‌شود.

حضرت رضا (علیه‌السلام) ضمن بیان نشانه‌های امام، درباره استجاب دعا امام معصوم می‌فرماید: «وَيَكُونُ دُعَاؤُهُ مُسْتَجَابًا حَتَّىٰ إِنَّهُ لَوْ دَعَا عَلَىٰ صَخْرَةٍ لَأَنْشَقَّتْ بِنُصْفَيْنِ» (دعای امام مورد قبول خدای متعال قرار می‌گیرد، به طوری که اگر (بر فرض) در مورد صخره‌ای بخواهد (و دعا کند) به دو نیم تقسیم می‌شود) (ابن بابویه، ۱۳۷۸، ج ۱: ۲۱۳).

امام باقر(علیه السلام) فرمود: «فَوَضَّ إِلَيْنَا أُمُورَ عِبَادِهِ فَنَحْنُ نَفْعَلُ بِإِذْنِهِ مَا نَشَاءُ وَ نَحْنُ إِذَا شِئْنَا شَاءَ اللَّهُ وَ إِذَا أَرَدْنَا أَرَادَ اللَّهُ» (خداوند امور بندگانش را به ما وا گذاشته است و ما آنچه می خواهیم به اذن او انجام می دهیم و ما هر گاه امری را بخواهیم و اراده کنیم، خداوند نیز همان را می خواهد) (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ج ۲۶: ۱۴).

امام صادق(علیه السلام) فرمود: «از جمله کسانی که دعایش مستجاب می شود، دعای امام و پیشوای عادل برای رعیت اوست. دعای مؤمن که پشت سر مؤمن دیگر مستجاب است.» (حرّ عاملی، ۴۱۶ق، ج ۷: ۱۰۹).

به همین جهت است که ما از امامان معصوم(علیهم السلام) می خواهیم که برای ما دعا کنند و واسطه شوند که خدا حاجت ما را برآورده سازد زیرا آنان انسان های مقرب درگاه الهی هستند و دعایشان مستجاب است.

دعای مستجاب امام رضا(علیه السلام) در حق چنین فردی نشانه اهمیت احیای امر بوده و اینکه هر کس چه مرد و چه زن به این کار مهم اقدام نماید، در راه زنده نمودن معارف دین و آثار انسان ساز اهل بیت(علیهم السلام) سهیم است و در خور دعای آنان خواهد بود. پر واضح است، واژه «عبداً» در حدیث شریف شامل مرد و زن هر دو می شود.

۲. احیای امر اهل بیت(علیهم السلام)

در این حدیث شریف امام رضا(علیه السلام) با جمله «رحمت خدا بر بنده ای که امر ما را زنده کند» اهمیت این موضوع را گوشزد می نماید. با تشکیل خانواده حدیث، یعنی جامع نگری و یافتن تمامی احادیث مشابه و مرتبط به موضوع درمی یابیم که احیای امر اهل بیت(علیهم السلام) در روایات متعددی سفارش شده است. در این گونه احادیث یکی از وظایف مهم شیعیان نسبت به ائمه اطهار(علیهم السلام) زنده نگه داشتن امر امامان با برگزاری مجالس و تشکیل کلاس های معرفت افزایی است. از

باب نمونه چند حدیث را ذکر می‌کنیم.

خَيْثَمَةَ گوید: امام باقر (علیه‌السلام) به من فرمود: «تَزَاوَرُوا فِي بُيُوتِكُمْ فَإِنَّ ذَلِكَ حَيَاةٌ لِأَمْرِنَا رَحِمَ اللَّهُ عَبْدًا أَحْيَا أَمْرَنَا» (به خانه‌های یکدیگر رفت‌وآمد کنید که این کار باعث حیات امر ماست. رحمت خدا بر بنده‌ای باد که امر ما را احیاء کند) (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۲: ۱۴۴).

راوی گوید: امام صادق (علیه‌السلام) به فضیل فرمود: «تَجَلَّسُونَ وَ تُحَدِّثُونَ قَالَ نَعَمْ جُعِلَتْ فِدَاكَ - قَالَ إِنَّ تِلْكَ الْمَجَالِسَ أَحْبَبْنَا فَأَحْيُوا أَمْرَنَا يَا فَضِيلُ - فَرَحِمَ اللَّهُ مَنْ أَحْيَا أَمْرَنَا - يَا فَضِيلُ مَنْ ذَكَرْنَا أَوْ ذُكِرْنَا عِنْدَهُ - فَخَرَجَ مِنْ عَيْنِهِ مِثْلُ جَنَاحِ الذُّبَابِ غَفَرَ اللَّهُ لَهُ ذُنُوبَهُ - وَ لَوْ كَانَتْ أَكْثَرَ مِنْ زَبَدِ الْبَحْرِ» (آیا با هم می‌نشینید و گفتگو می‌کنید؟ گفتیم: آری فدای تو شوم. فرمود: من این گونه مجالس را دوست می‌دارم. ای فضیل امر ما را احیاء کنید. خداوند رحمت کند کسانی را که امر ما را احیاء می‌کنند. ای فضیل کسی که از ما یاد کند یا نزد وی از ما یاد شود و از چشمانش به اندازه پر مگسی اشک بیرون آید، خداوند گناهان او را اگر چه بیشتر از کف دریاها باشد، می‌آمرزد) (حمیری، ۱۴۱۳ق، ۳۶؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۴۴: ۲۸۲).

در این روایت افزون بر مجالس ذکر حدیث و علوم اهل‌بیت (علیهم‌السلام)، مجلس ذکر مصائب که سخن از مظلومیت دین و صاحبان دین است از موارد احیای امر اهل بیت (علیهم‌السلام) به شمار آمده است.

شُعَيْبُ عَقْرُقُوفِي گوید: از امام صادق (علیه‌السلام) شنیدم که به اصحاب خویش می‌فرماید: «اتَّقُوا اللَّهَ وَ كُونُوا إِخْوَةً بَرَرَةً مُتَحَابِّينَ فِي اللَّهِ مُتَوَاصِلِينَ مُتَرَاحِمِينَ تَزَاوَرُوا وَ تَلَاَقُوا وَ تَذَاكُرُوا أَمْرَنَا وَ أَحْيُوهُ» (از خدا پروا کنید و نسبت به یکدیگر برادران نیکوکار باشید و برای خدا یکدیگر را دوست بدارید و با یکدیگر ارتباط داشته باشید و نسبت به هم رحم کنید و به دیدار یکدیگر بروید و ملاقات داشته باشید و امر ما را با یکدیگر مذاکره کنید و آن را زنده نگه دارید) (کلینی، ۱۳۶۳، ج ۲: ۱۷۵).

۳. مقصود از امر اهل بیت (علیهم السلام)

منظور امام رضا (علیه السلام) از «امر» در این حدیث شریف چیست؟ آیا مراد علوم و معارف اهل بیت (علیهم السلام) است؟ یا ولایت و یا پیروی عملی از سیره معصومان (علیهم السلام) یا چیز دیگر؟ در مراجعه به احادیث معصومان (علیهم السلام) امر اهل بیت (علیهم السلام) به گونه‌های مختلف تبیین شده است. از آن جمله به موارد زیر می‌توان اشاره کرد:

الف) علوم و معارف اهل بیت (علیهم السلام): در همین حدیث مورد بحث، به قرینه روشی که امام رضا (علیه السلام) برای احیای آن معرفی کرده‌اند (يَتَعَلَّمُ عُلُومَنَا وَ يُعَلِّمُهَا النَّاسَ) می‌فهمیم که مقصود فرهنگ و معارف اهل بیت (علیهم السلام) است؛ چه اینکه مناسب با تعلیم و تعلم، علوم و دانش‌های آنان است.

در حدیث زیر از لزوم مطابقت امر اهل بیت (علیهم السلام) با قرآن کشف می‌کنیم که مراد همان احادیث و معارف اهل بیت (علیهم السلام) است. جابر از امام باقر نقل می‌کند: «وَأَنْظُرُوا أَمْرَنَا وَ مَا جَاءَكُمْ عَنَّا - فَإِنْ وَجَدْتُمْوهُ لِلْقُرْآنِ مُوَافِقاً فَخُذُوا بِهِ - وَ إِنْ لَمْ تَجِدُوهُ مُوَافِقاً فَرُدُّوهُ وَ إِنْ اشْتَبَهَ الْأَمْرُ عَلَيْكُمْ فَفَقُّوا عِنْدَهُ وَ رُدُّوهُ إِلَيْنَا حَتَّى نَشْرَحَ لَكُمْ مِنْ ذَلِكَ مَا شَرِحَ لَنَا.» (در دستورات ما که به شما می‌رسد دقت کنید. اگر موافق قرآن بود به آن اخذ کنید؛ اگر موافق نبود رد کنید. اگر بر شما مشتبه شد توقف نمایید در مورد آن و برگردانید به ما تا برای شما توضیح دهیم مطالبی را که برای ما توضیح داده شد.) (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷۵: ۱۸۲).

علامه مجلسی در همین راستا می‌گوید: مراد از احیای امر، احیای دین اهل بیت (علیهم السلام) است تا توسط دشمنان از بین نرود: «إِحْيَاءُ أَمْرِنَا أَيْ لِإِحْيَاءِ دِينِنَا وَ ذِكْرُ فِضَائِلِنَا وَ عُلُومِنَا وَ إِبْقَائِهَا لِنَا تَدْرُسُ بَغْلِيَةَ الْمُخَالِفِينَ وَ شِبْهَاتِهِمْ.» (همان، ج ۶۵: ۱۹۰).

ب) امر به معنای حکومت ظاهری اهل بیت (علیهم السلام): در احادیث متعددی امر

بدین معنا آمده است، مانند: «فَكُونُوا رَحِمَكُمُ اللَّهُ مِنْ أَجْلَاسِ [أَخْلَاسِ] بَيُوتِكُمْ إِلَيَّ أَوْ أَنْ ظَهُرَ أَمْرُنَا فَمَنْ مَاتَ مِنْكُمْ كَانَ مِنَ الْمَظْلُومِينَ.» (خدا شما را رحمت کند! در خانه‌هایتان بنشینید تا ظهور امر ما فرا رسد. و هر کدام از شما بمیرد، مظلوم مرده است.) (دیلمی، ۱۴۱۲ق، ج ۲: ۳۱۴).

«وَأَمَّا الْخُمْسُ فَقَدْ أُبِيحَ لِشِيعَتِنَا وَجُعِلُوا مِنْهُ فِي حِلِّ إِلَى وَقْتِ ظَهْرِ أَمْرِنَا لِتَطِيبِ وَلَا دَتُّهُمْ وَلَا تَخُبْتُ.» (و اما خمس بر شیعیان ما مباح شد و تا هنگام ظهور امر ما از آن معافند تا ولادتشان پاکیزه شود و نه خبیث.) (طبرسی، ۱۳۹۰ق: ۴۵۲).

محمدبن مسلم از معصوم می‌پرسد: «عَنْ مِيرَاتِ الْعِلْمِ مَا يَلْغُ أَجْوَامِعُ مِنَ الْعِلْمِ أَمْ يُفَسِّرُ كُلَّ شَيْءٍ مِنْ هَذِهِ الْأُمُورِ الَّتِي يَتَكَلَّمُ فِيهَا النَّاسُ مِنَ الطَّلَاقِ وَالْفَرَائِضِ فَقَالَ «إِنَّ عَلِيًّا عَ كَتَبَ الْعِلْمَ كُلَّهُ وَالْفَرَائِضَ فَلَوْ ظَهَرَ أَمْرُنَا لَمْ يَكُنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا وَفِيهِ سُنَّةٌ يُمَضِّيهِهَا.» (آیا علوم شما کلیاتی است و یا آن که حکم همه موارد را روشن می‌کند؟ امام (علیه‌السلام) می‌فرماید: علی (علیه‌السلام) تمام دانش را و حکم فرائض را ثبت کرده است. اگر حکومت به دست ما باشد، در هر چیزی سنت خاصی است که آن را اجرا می‌کنیم.) (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۲: ۱۶۹).

و نیز امام باقر (علیه‌السلام) فرمود: «حَدِيثُنَا صَعْبٌ مُسْتَضَعِبٌ لَا يَحْتَمِلُهُ إِلَّا مَلِكٌ مُقَرَّبٌ أَوْ نَبِيٌّ مُرْسَلٌ أَوْ مُؤْمِنٌ مُمْتَحِنٌ أَوْ مَدِينَةٌ حَصِينَةٌ فَإِذَا وَقَعَ أَمْرُنَا وَجَاءَ مَهْدِينُنَا ع- كَانَ الرَّجُلُ مِنْ شِيعَتِنَا أَجْرًا مِنْ لَيْثٍ وَأَمْضَى مِنْ سِنَانٍ يَطَأُ عَدُونًا بِرِجْلَيْهِ وَيَضْرِبُهُ بِكَفَيْهِ وَذَلِكَ عِنْدَ نُزُولِ رَحْمَةِ اللَّهِ وَفَرَجِهِ عَلَى الْعِبَاد.» (حدیث ما دشوار است و دشوار شده است. آن را نمی‌پذیرد مگر فرشته‌ای که نزد خدای تعالی قرب و منزلت یافته یا پیغمبر فرستاده شده (برای همه مردم) یا بنده‌ای که خدا دل او را برای ایمان (حقیقی) امتحان نموده، و یا شهر مستحکم. و هر گاه امر ما اتفاق افتد و مهدی ما ظهور کند، هر کدام از دوستان ما از شیر دلیرتر و از نیزه بران‌تر شوند و دشمنان را پایمال کنند و با دست و چنگ بزنند و این در هنگام نزول رحمت خدا و فرج او بر بندگان است.) (همان: ۱۹۰).

ج) اعتقاد به نظام ولایتی اهل بیت (علیهم السلام): امام صادق (علیه السلام) برای مردی که به زن نامحرمی دست زده بود، فرمود: «أَمَا تَعْلَمُ أَنَّ أَمْرَنَا هَذَا لَا يُنَالُ إِلَّا بِالْوَرَعِ» (مگر نمی‌دانی کسی به ولایت ما اهل بیت (علیهم السلام) نمی‌رسد مگر اینکه تقوا و ورع داشته باشد). (طبرسی، ۱۳۹۰ق: ۲۷۵).

امام صادق (علیه السلام) فرمود: «يَا مُدْرِكُ إِنَّ أَمْرَنَا لَيْسَ بِقَبُولِهِ فَقَطْ وَ لَكِنْ بِصِيَانَتِهِ وَ كِتْمَانِهِ عَنْ غَيْرِ أَهْلِهِ أَقْرَبُ أَصْحَابِنَا السَّلَامَ وَ رَحْمَةَ اللَّهِ وَ بَرَكَاتِهِ وَ قُلْ لَهُمْ رَحِمَ اللَّهُ امْرَأً اجْتَرَّ مَوَدَّةَ النَّاسِ إِلَيْنَا فَحَدَّثَهُمْ بِمَا يَعْرِفُونَ وَ تَرَكَ مَا يُنْكِرُونَ.» (ای مدرک! امر ما تنها به پذیرفتن آن نیست، بلکه به نگهداشتن و پنهان‌داری آن از نااهلش هم هست. به شیعیان ما سلام برسان و به آنها بگو: خدا رحمت کند بنده‌ای را که دوستی مردم (مخالفان ما) را به سوی ما کشاند، آنچه را می‌فهمند به آنها بگویند و آنچه را نمی‌پذیرند ترک کنید). (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۲: ۶۸).

امام باقر (علیه السلام) می‌فرماید: «يَأْتِي عَلَى النَّاسِ زَمَانٌ يَغِيبُ عَنْهُمْ إِمَامُهُمْ فَيَا طُوبَى لِلثَّابِتِينَ عَلَى أَمْرِنَا فِي ذَلِكَ الزَّمَانِ.» (زمانی بر مردم آید که امامشان غیبت کند و خوشا بر کسانی که در آن زمان بر ولایت ما ثابت قدم باشند). (ابن بابویه، ۱۳۹۵ق، ج ۱: ۳۳۰).

۴. ویژگی‌های امر ائمه (علیهم السلام)

امر اهل بیت (علیهم السلام) از ویژگی‌هایی برخوردار است که در ادامه به آن اشاره می‌شود:

۱. همان‌گونه که احیای امر ائمه (علیهم السلام) با برگزاری مجالس و ترویج فرهنگ آنان وظیفه شیعیان است (حمیری، ۱۴۱۳ق: ۳۶؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۴۴: ۲۸۲) گاهی کتمان امر آنان و افشانکردن آن از باب تقیه وظیفه است.

امام صادق (علیه‌السلام) فرمود: «مَنْ أذَاعَ عَلَيْنَا شَيْئًا مِنْ أَمْرِنَا فَهُوَ كَمَنْ قَتَلَنَا عَمْدًا وَ لَمْ يَقْتُلْنَا خَطَأً.» (هر که چیزی از امر ما را فاش کند، همانند کسی است که ما را به عمد کشته و به خطا نکشته است.) (حر عاملی، ۱۴۱۶ق، ج ۱۶: ۲۵۲).

امام صادق (علیه‌السلام) خطاب به معلی بن خنیس نسبت به لزوم کتمان امر اهل بیت (علیهم‌السلام) در زمان تقیه می‌فرماید: «يَا مُعَلَّى أَكْتُمُ أَمْرَنَا وَلَا تَذَعُهُ فَإِنَّهُ مَنْ كَتَمَ أَمْرَنَا وَ لَمْ يَذَعْهُ أَعَزَّهُ اللَّهُ فِي الدُّنْيَا وَ جَعَلَهُ نُورًا بَيْنَ عَيْنَيْهِ فِي الْآخِرَةِ يُقَوِّدُهُ إِلَى الْجَنَّةِ يَا مُعَلَّى مَنْ أذَاعَ حَدِيثَنَا وَ أَمْرَنَا وَ لَمْ يَكْتُمْهَا أَذَلَّهُ اللَّهُ فِي الدُّنْيَا.» (ای معلی! اسرار ما را نهان دار و فاش مکن، زیرا هر کس امر ما را پنهان کند و فاش نکند خداوند او را در دنیا عزیز کند، و عزتش را در آخرت به صورت نوری پیش رویش قرار دهد که او را به سوی بهشت می‌کشاند. ای معلی! هر کس اسرار ما را فاش کند و آن را پنهان نکند، خداوند او را در دنیا خوار سازد.) (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۲: ۷۳).

امام صادق (علیه‌السلام) می‌فرماید: «يَا عَبْدَ الْأَعْلَى إِنَّ احْتِمَالَ أَمْرِنَا لَيْسَ مَعْرِفَتُهُ وَ قَبُولُهُ إِنَّ احْتِمَالَ أَمْرِنَا هُوَ صَوْنُهُ وَ سِتْرَتُهُ [سِتْرَتُهُ عَمَّنْ لَيْسَ مِنْ أَهْلِهِ فَأَقْرَبُهُمُ السَّلَامَ وَ رَحْمَةَ اللَّهِ يَعْنِي الشُّبْعَةَ وَ قُلْ قَالَ لَكُمْ رَحِمَ اللَّهُ عَبْدًا اسْتَجَرَ مَوَدَّةَ النَّاسِ إِلَى نَفْسِهِ وَ إِلَيْنَا بِأَنْ يُظْهَرَ لَهُمْ مَا يَعْرِفُونَ وَ يَكْفَى عَنْهُمْ مَا يُنْكِرُونَ.» (ای عبدالاعلی! بر دوش داشتن و پایداری بر ولایت ما تنها آگاهی و پذیرفتن آن نیست بلکه بر دوش داشتن آن همانا نگهداری و پوشیده‌داشتنش از کسی است که با آن بیگانه است. پس سلام ما و رحمت خدا را به آنان (شیعیان) برسان و بگو: آن حضرت به شما فرموده است: خداوند رحمت کند آن کسی را که با بیان آنچه مردم بدان آشنایی دارند و خودداری از اظهار آنچه بدان باور ندارند محبت و دوستی آنان را نسبت به خود و نیز به سوی ما جلب نماید.) (همان: ۷۷).

۲. سختی امر اهل بیت (علیهم‌السلام): ابوبصیر و محمدبن مسلم از امام صادق (علیه‌السلام) نقل نموده‌اند: «خَالَطُوا النَّاسَ بِمَا يَعْرِفُونَ وَ دَعَوْهُمْ مِمَّا يُنْكِرُونَ وَ لَا تَحْمِلُوا عَلَى أَنْفُسِكُمْ وَ عَلَيْنَا إِنْ أَمْرُنَا صَعِبَ مُسْتَضْعَبٌ لَا يَحْتَمِلُهُ إِلَّا مَلَكٌ مُقَرَّبٌ أَوْ

نَبِيِّ مُرْسَلٌ أَوْ عَبْدٌ مُؤْمِنٌ اٰمْتَحَنَ اللّٰهُ قَلْبَهُ لِلْاِيْمَانِ.» (با مردم به میزان آنچه می دانند آمیزش کنید (و سخن گویند)، و آنچه را که نمی پذیرند فرو گذارید. بر گرده ما و خودتان نگذارید؛ چه اینکه حدیث ما دشوار است و دشواری آور و متحمل آن نگردد مگر فرشته مقرب درگاه الهی یا پیغمبر مرسل و یا بنده‌ای که خداوند دل او را با ایمان آزموده باشد.) (همان: ۷۱).

آقا جمال خوانساری در شرح غرر پس از نقل حدیث «ان امرنا صعب مستصعب لا یحتمله الا عبد امتحن الله قلبه للايمان» می نویسد: «به درستی که امر ما سخت سخت یافت شده است. بر نمی دارد آن را مگر بنده‌ای که خدا دل او را از برای ایمان آزموده باشد. مراد به «امر ائمه» ممکن است حال و شأن و رتبه و منزلت ایشان و مراد این باشد که آن امری است که سخت است. در واقع و سخت یافته‌اند آن را مردم و دشوار می شمارند و قبول نمی کنند. و ممکن است که مراد به «امر» فرمان باشد؛ یعنی فرمان‌های ما و اطاعت ما در آنها بر وجهی که باید سخت سخت شمرده شده است و بر نمی دارد آن را (یعنی اطاعت آن نمی کند) مگر بنده که گنجایش داده باشد خدا دل او را از برای ایمان (یا آزموده باشد آن را از برای ایمان). به سبب اینکه اصلا ما راه مسأله و مداخله در احکام شریعت مقدسه نمی دهیم و مثل ائمه دیگر که ائمه ضلال باشند مسامحه در آنها نمی کنیم. و ممکن است که مراد به «امر» این باشد که بعضی از احادیث ما را همه کس نمی فهمد و قبول نمی کند مگر چنان بنده‌ای.» (خوانساری، ۱۳۶۶ ش، ج ۲: ۵۴۵).

۳. آشکار بودن امر اهل بیت (علیهم السلام): راوی گوید: در خیمه امام باقر (علیه السلام) بودیم که حضرت کنار خیمه را بالا زد و فرمود: «إِنَّ أَمْرَنَا قَدْ كَانَ أَيْبَنَ مِنْ هَذِهِ الشَّمْسِ ثُمَّ قَالَ يُنَادِي مُنَادٍ مِنَ السَّمَاءِ فُلَانُ بْنُ فُلَانٍ هُوَ الْإِمَامُ بِأَسْمِهِ وَيُنَادِي إِبْلِيسَ لَعْنَهُ اللَّهُ مِنَ الْأَرْضِ كَمَا نَادَى بِرَسُولِ اللَّهِ (ص) لَيْلَةَ الْعَقَبَةِ.» (امر ما از این آفتاب روشن تر است. سپس فرمود: نداکننده‌ای از آسمان ندا می کند که امام فلان پسر فلان است و نام او را می برد و ابلیس (لعنه الله) نیز از زمین ندا کند همچنان که در شب عقبه بر

رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله) ندا کرد: (ابن بابویه، ۱۳۹۵ ق، ج ۲: ۶۵۰). همین حدیث در بحارالانوار به نقل از صدوق چنین آمده است: «إِنَّ أَمْرَنَا لَوْ قَدْ كَانَ لَكَانَ أُبَيْنَ مَنْ هَذَا الشَّمْسُ». (روزی که دولت ما آشکار شود، امر ما از این آفتاب روشن‌تر است). (مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ج ۵۲: ۲۹۴).

۴- امر اهل بیت (علیهم‌السلام) حَقِّ محض و در عین ظهور آن، سرّ محض است: امام صادق (علیه‌السلام) فرمود: «إِنَّ أَمْرَنَا هُوَ الْحَقُّ وَ حَقُّ الْحَقِّ وَ هُوَ الظَّاهِرُ وَ بَاطِنُ الظَّاهِرِ وَ بَاطِنُ البَاطِنِ وَ هُوَ السِّرُّ وَ سِرُّ السِّرِّ وَ سِرُّ المُسْتَسِرِّ وَ سِرٌّ مُفْتَعٌ بِالسِّرِّ». (همان، ج ۲: ۷۱).

۵. چگونگی احیای امر ائمه (علیهم‌السلام)

در اینجا پرسش اساسی که به ذهن می‌رسد این است که به‌راستی زنده‌کردن امر اهل بیت (علیهم‌السلام) به چیست؟ به چه روشی می‌توان امر ائمه (علیهم‌السلام) را احیا کرد؟ این سؤالی است که به ذهن راوی نیز رسیده است. امام‌رضا (علیه‌السلام) در این حدیث در پاسخ او چگونگی احیای امر خود را در گرو دو چیز قرار داده‌اند: «يَتَعَلَّمُ عُلُومَنَا وَ يَعْلَمُهَا النَّاسُ» یعنی یادگیری علوم اهل بیت (علیهم‌السلام) و یاددادن آن به مردم.

روایات دیگر همین مضمون را مورد تأکید قرار داده‌اند. با جمع‌آوری روایات در این باب درمی‌یابیم که احیای امر ائمه (علیهم‌السلام) با تشکیل کلاس و برگزاری مجالس و مذاکره علوم و احادیث معصومان (علیهم‌السلام) با هدف ترویج فرهنگ و مذهب اهل بیت (علیهم‌السلام) صورت می‌گیرد.

امام‌رضا (علیه‌السلام) فرموده است: «مَنْ جَلَسَ مَجْلِسًا يَحْيَا فِيهِ أَمْرَنَا لَمْ يَمُتْ قَلْبُهُ يَوْمَ تَمُوتُ الْقُلُوبُ». (هر که در مجلسی که امر ما در آن زنده می‌شود بنشیند، روزی که دل‌ها می‌میرد، دل او نمی‌میرد). (همان، ج ۱: ۱۹۹).

از امام باقر (علیه السلام) نقل است که امیرالمؤمنین (علیه السلام) می فرماید: «شِيعَتُنَا الْمُتَبَاذِلُونَ فِي وَلَايَتِنَا الْمُتَحَابُّونَ فِي مَوَدَّتِنَا الْمُتَزَاوِرُونَ فِي إِحْيَاءِ أَمْرِنَا الَّذِينَ إِنْ غَضِبُوا لَمْ يَظْلِمُوا وَإِنْ رَضُوا لَمْ يُسْرِفُوا بِرَكَّةٍ عَلَيَّ مَنْ جَاوَزُوا سِلْمَ لِمَنْ خَالَطُوا.» (شیعیان ما آنهایند که برای ولایت ما به یکدیگر بخشش کنند و در راه دوستی ما با یکدیگر دوستی نمایند و برای زنده کردن امر ما به دیدار یکدیگر روند؛ آن کسانی که اگر خشم کنند ستم نکنند و اگر راضی باشند از حد بیرون نروند. برکت همسایگانند و با هر که در آمیزند با سلم و صفا معاشرت کنند.) (همان، ج ۶۵: ۱۹۰).

امام صادق (علیه السلام) به خَیْتَمَه فرمود: «يَا خَيْتَمَةَ أَقْرَبُ مَوَالِيَنَا السَّلَامَ وَأَوْصِيَهُمْ بِتَقْوَى اللَّهِ الْعَظِيمِ عَزَّ وَجَلَّ وَأَنْ يَشْهَدَ أَحْيَاؤُهُمْ جَنَائِزَ مَوْتَاهُمْ وَأَنْ يَتَلَقُوا فِي بُيُوتِهِمْ فَإِنَّ لِقْيَاهُمْ حَيَاةٌ أَمْرِنَا قَالَ ثُمَّ رَفَعَ يَدَهُ فَقَالَ رَحِمَ اللَّهُ أَمْرًا أَحْيَا أَمْرَنَا.» (به شیعیان ما سلام ما را برسان و آنان را سفارش کن به تقوای خداوند عظیم و اینکه زندگان بر جنازه مردگان حاضر شوند و در خانه هایشان یکدیگر را ملاقات کنند؛ زیرا در این ملاقات ها زنده کردن امر ماست. سپس حضرت دست خود را به دعا بلند کرد و فرمود: خدا رحمت کند آن کسی را که امر ما را زنده نماید.) (همان، ج ۱: ۲۰۰).

امام صادق (علیه السلام) به داوود بن سرحان فرمود: «يَا دَاوُدُ أَبْلَغْ مَوَالِيَّ عَنِّي السَّلَامَ وَ أَنِّي أَقُولُ رَحِمَ اللَّهُ عَبْدًا اجْتَمَعَ مَعَ آخَرَ فَتَذَكَّرَ أَمْرِنَا فَإِنَّ تَالِيَهُمَا مَلِكٌ يَسْتَعْفِرُ لَهُمَا وَمَا اجْتَمَعَ اثْنَانِ عَلَيَّ ذَكَرْنَا إِلَّا بَاهِيَ اللَّهُ تَعَالَى بِهِمَا الْمَلَائِكَةَ فَإِذَا اجْتَمَعْتُمْ فَاشْتَعَلُوا بِالذِّكْرِ فَإِنَّ فِي اجْتِمَاعِكُمْ وَمَذَاكِرَتِكُمْ إِحْيَاءَنَا وَ خَيْرُ النَّاسِ مَنْ بَعَدَنَا مَنْ ذَاكَرَ بِأَمْرِنَا وَ دَعَا إِلَيَّ ذَكَرْنَا.» (ای داوود! سلام و درود مرا به دوستانم برسان و بگو که من می گویم: خدا رحمت کند بنده ای را که با دیگری گرد آید و امر ما (احکام و دستورهای دین) را به یاد آورند و با یکدیگر گفتگو نمایند. حتما سومی آنها فرشته ای است که برای ایشان استغفار نموده و آمرزش می طلبد. و دو کس بر ذکر ما جمع نمی شوند جز آن که خدای تعالی به آنها بر فرشتگان فخر می نماید. پس هر گاه گرد هم آمدید به ذکر و یاد ما مشغول گردید، زیرا در اجتماع و مذاکره تان زنده کردن ماست، و بهترین مردم پس از ما کسی است که کار ما را

یادآوری نماید و به ذکر ما دعوت کند). (همان: ۲۰۰).

از امام صادق (علیه‌السلام) نقل شده است: «تَلَاَقُوا وَ تَحَادُّوا الْعِلْمَ فَإِنَّ بِالْحَدِيثِ تُجَلَى الْقُلُوبُ الرَّائِيَّةُ وَ بِالْحَدِيثِ إِحْيَاءُ أَمْرِنَا فَرَحِمَ اللَّهُ مَنْ أَحْيَا أَمْرَنَا.» (با همدیگر ملاقات داشته باشید و احادیث و علوم ما را گفتگو کنید، چه اینکه با حدیث زنگار دل‌ها پاک و امر ما زنده نگه داشته می‌شود. خداوند پیام‌رزد هر کسی را که امر ما را احیا نماید). (همان: ۲۰۲).

امام صادق (علیه‌السلام) فرمود: «رَحِمَ اللَّهُ أَمْرًا أَحْيَا أَمْرَنَا فَاقِيلَ وَ مَا إِحْيَاءُ أَمْرِكُمْ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ فَقَالَ تَذَكَّرُونَهُ عِنْدَ أَهْلِ الْعِلْمِ وَ الدِّينِ وَ اللَّبِّ.» (خداوند رحمت کند کسی که امر ما را احیا کند. به ایشان عرض شد: ای فرزند رسول‌الله! احیای امر شما به چیست؟ آن حضرت (علیه‌السلام) فرمود: ما را نزد اهل علم و دین و خرد، یاد کند). (نوری، ۱۴۰۸ ق، ج ۸: ۳۲۶).

چنان‌که ملاحظه شد، در این روایات به ملاقات یکدیگر رفتن و برگزاری مجالس اهل بیت (علیهم‌السلام) که در آن علوم و معارف آنان گفتگو شود به‌همراه عمل به فرهنگ ائمه (علیهم‌السلام) و رعایت اخلاق کریمه، راه درست احیای امر اهل بیت (علیهم‌السلام) شمرده شده است. بر همین اساس، برخی از حدیث شریف که احیای امر را بر تعلّم و تعلیم معارف اهل بیت (علیهم‌السلام) متوقف نموده، حجیت خبر واحد را استفاده کرده‌اند (شبر، ۱۴۰۴ ق: ۱۴۲). برخی نیز جواز تقلید را با این تقریب که تعلیم دیگران در حدیث مطلوب و مورد سفارش است، برای فرار از لغویت مطلوبیت تعلیم، قبول سخن آنان از سوی دیگران نیز مطلوب شارع است (مجاهد، ۱۲۹۶ ق: ۶۳۰؛ جزایری، ۱۴۱۵ ق، ج ۸: ۵۲۲) چنان‌که برخی مطلوبیت احیای امر اهل بیت (علیهم‌السلام) به نحو وجوب کفایی و استحباب نفسی را از این حدیث برداشت کرده‌اند (شاه‌رودی، ۱۴۲۳ ق، ج ۷: ۱۵۲).

۶. محاسن کلام و پذیرش عمومی

در این حدیث شریف امام رضا (علیه السلام) تنها زمینه پذیرش عمومی سخنانشان را از ناحیه مردم آگاهی و علم مردم به محاسن کلامشان دانسته‌اند؛ آنجا که می‌فرمایند: «فَإِنَّ النَّاسَ لَوْ عَلِمُوا مَحَاسِنَ كَلَامِنَا لَاتَّبَعُونَا» (اگر مردم حکمت‌ها، زیبایی‌ها و شیرینی‌های سخنان ما را بدانند، پیرو ما خواهند شد). واژه محاسن در لغت جمع حُسن به معنای خوبی‌هاست. چنان‌که صاحب‌بن‌عباد آن را ضدّ مساوی (بدی‌ها) معرفی نموده است، آنجا که می‌نویسد: «الْمَحَاسِنُ: ضِدُّ الْمَسَاوِيءِ». (صاحب بن‌عباد، ۱۴۱۴ق، ج ۲: ۴۸۷). جوهری در صحاح محاسن را جمع حسن بر خلاف قاعده دانسته و آورده است: «الْحُسْنُ: تَقْيِيزُ التُّبْحِ؛ وَ الْجَمْعُ مَحَاسِنُ عَلَى غَيْرِ قِيَاسٍ». (جوهری، ۱۴۱۰ق، ج ۵: ۲۰۹۹؛ ابن‌منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۱۳: ۱۱۴). بر این اساس، محاسن کلام به معنای نیکویی‌های سخن خواهد بود و به قرینه سیاق می‌توان مراد از محاسن کلام را حکمت‌ها، ظرافت‌ها و مصالحی دانست که بر سخنان حکیمانۀ اهل بیت (علیهم السلام) مترتب می‌گردد که هر وجدان بیداری را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

دلیل این مطلب که سخنانشان مورد پذیرش همه انسان‌هاست این است که سخنان اهل بیت (علیهم السلام) مطابق فطرت است. بدیهی است، هر چیزی که مطابق فطرت باشد مورد قبول همه واقع خواهد شد. دلیل حجیت کبرای این قیاس بدهت آن است و نیازی به بیان و توضیح بیشتری ندارد؛ چه اینکه انسان‌ها فطرت مشترک دارند؛ بنابراین هر چه همسو با فطرت و نهاد انسان باشد مورد پذیرش همه خواهد بود. و اما دلیل اعتبار صغرا و مقدمۀ اول وجود روایات متعدد درباره موضوعات فطری است که در ادامه از باب نمونه، شماری از سخنان زیبای امام رضا (علیه السلام) که همسو با فطرت است، خواهد آمد.

شایسته ذکر است، به غیر از پذیرش عمومی که در حدیث محلّ بحث مترتب بر محاسن کلام ائمه (علیهم السلام) شده، در روایت دیگری امام رضا (علیه السلام) اثر کلام ائمه (علیهم السلام) را عزت‌بخشی شیعیان و اقتدار آنان بر توده مردم (اهل سنت)

دانسته است؛ آنجاکه می‌فرماید: «رَحِمَ اللهُ عَبْدًا حَبَبْنَا إِلَى النَّاسِ وَ لَمْ يُبَغِّضْنَا إِلَيْهِمْ وَ اَيْمُ اللهُ لَوْ يَرُونَ مَحَاسِنَ كَلَامِنَا لَكَانُوا اَعَزَّ وَ لَا اسْتَطَاعَ اَنْ يَتَعَلَّقَ عَلَيْهِمْ بِشَيْءٍ.» (خداوند رحمت کند کسی را که ما را برای مردم محبوب سازد، نه مبعوض. به‌خدا سوگند! اگر سخنان زیبای و والای ما را روایت کنند، خود نیز عزیز و محترم می‌شوند. کسی هم نمی‌تواند بر آنان خرده بگیرد.) (منسوب به علی بن موسی، امام هشتم (علیهماالسلام) ، ۱۴۰۶ق: ۳۵۶).

مضمون این حدیث از امام صادق (علیه‌السلام) نیز نقل شده است: ابوبصیر گوید: شنیدم از امام صادق (علیه‌السلام) که می‌گفت: «رَحِمَ اللهُ عَبْدًا حَبَبْنَا إِلَى النَّاسِ وَ لَمْ يُبَغِّضْنَا إِلَيْهِمْ أَمَا وَ اللهُ لَوْ يَرُونَ مَحَاسِنَ كَلَامِنَا لَكَانُوا بِهِ اَعَزَّ وَ مَا اسْتَطَاعَ أَحَدٌ اَنْ يَتَعَلَّقَ عَلَيْهِمْ بِشَيْءٍ وَ لَكِنْ أَحَدُهُمْ يَسْمَعُ الْكَلِمَةَ فَيَحْطُ إِلَىهَا عَشْرًا.» (خدا رحمت کند کسی را که مایه محبوبیت ما شود، نه مایه دشمنی و کینه‌توزی. به‌خدا سوگند! اگر سخنان پراچ ما را تبلیغ کنند، خود نیز عزیز و محترم می‌شوند، کسی هم نمی‌تواند بر آنان خرده بگیرد؛ اما یک کلمه از ما می‌شنوند، ده کلمه روی آن می‌گذارند که مردم با ما دشمن می‌شوند.) (کلینی، ۱۳۶۴، ج: ۸، ۲۲۹، ح: ۲۹۳؛ طبرسی، ۱۳۸۵ق: ۱۸۰).

۷. نمونه‌هایی از محاسن کلام امام‌رضا (علیه‌السلام)

نکته‌های زیبا و آموزنده در معارف مکتب رضوی بسیار و از حوصله این مقاله خارج است. با این‌همه، برای اثبات صغرای قیاس پیشین (سخنان اهل بیت (علیهم‌السلام) مطابق فطرت است) و تبیین گونه‌ای از محاسن کلام و رهنمودهای سازنده اخلاقی-اجتماعی ائمه (علیهم‌السلام)، از باب نمونه به چند سخن گهربار حضرت رضا (علیه‌السلام) بسنده می‌کنیم:

۱-۷ صداقت و امانت‌داری

امام علی بن موسی الرضا (علیهما السلام) به نقل از رسول اکرم (صلی الله علیه وآله) می‌فرماید: وقتی بخواهید حقیقت ایمان افراد را بشناسید به زیادی نماز و روزه مردم فریفته نشوید، بلکه به راستگویی و ادای امانت آنان بنگرید: «عَلَيْ بْنِ مُوسَى الرَّضَا * عَنِ الْإِمَامِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ عَنِ الصَّادِقِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْبَاقِرِ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عَنِ سَيِّدِ الْعَابِدِينَ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنِ سَيِّدِ شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ عَنِ سَيِّدِ الْأَوْصِيَاءِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ * عَنِ سَيِّدِ الْأَنْبِيَاءِ مُحَمَّدٍ * قَالَ: لَا تَنْظُرُوا إِلَى كَثْرَةِ صَلَاتِهِمْ وَصَوْمِهِمْ وَكَثْرَةِ الْحَجِّ وَالْمَعْرُوفِ وَطَنَطْنَتِهِمْ بِاللَّيْلِ وَلَكِنْ أَنْظُرُوا إِلَى صِدْقِ الْحَدِيثِ وَادَاءِ الْأَمَانَةِ.» (ابن بابویه، ۱۳۷۸ق، ج ۲: ۵۱).

۲-۷ محبت با مردم

حضرت رضا (علیه السلام) فرمود: «التَّوَدُّدُ إِلَى النَّاسِ نِصْفُ الْعَقْلِ.» (محبت به مردم نیمی از عقل انسان است.) (کلینی، ۱۳۶۳، ج ۲: ۶۴۳).

بخش مهمی از زندگی موفقیت‌آمیز و خردمندانه، برخورد صحیح با مردم است. می‌دانیم که افراد جامعه متفاوتند. برخی عالم، برخی جاهل، بعضی صبور و برخی کم‌ظرفیت، بی‌حوصله، عصبی و تندخو هستند. لذا برخوردها باید حساب‌شده، دقیق و منطبق با عقل باشد. عقل و دین، ما را به رفتار محبت‌آمیز دعوت می‌کنند. مطابق حدیث فوق، اظهار دوستی با مردم نیمی از عقل و خرد است زیرا محبت می‌تواند نقش سازنده و آرامش‌بخش برای فرد و مردم و رفع مشکلات داشته باشد.

۳-۷ کمک به ناتوان

امام مهربانی‌ها حضرت رضا (علیه السلام) می‌فرماید: «عَوْنُكَ لِلضَّعِيفِ أَفْضَلُ مِنْ

الصَّدَقَةَ. «کمک به ناتوان بهتر از صدقه‌دادن است.» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷۵: ۳۳۹).

دعوت به همکاری و یاری‌رساندن به افراد نیازمند، از دستورات دین و رهبران معصوم (علیهم‌السلام) است. منظور از ناتوان در فرمایش امام‌رضا (علیه‌السلام) تنها ناتوانی مالی نیست زیرا حضرت مسئله صدقه را مطرح نموده‌اند که کمک به ناتوان از صدقه بهتر است. پس ناتوانی جسمی و ناتوانی در برابر ستمکاران را نیز شامل می‌شود؛ بدین معنا که نباید با مشاهده افراد ناتوان تماشاگر بود بلکه به یاری آنان شتافت. اگر فرد به فقیر صدقه می‌دهد، باید بداند که کمک به انسان ناتوان ستم‌دیده و انسانی که از نظر جسمی توانایی ندارد، از صدقه‌دادن به فقیر برتر است.

۴-۷ نیکی به پدر و مادر

امام‌رضا (علیه‌السلام) فرمود: «بِرُّ الْوَالِدَيْنِ وَاجِبٌ وَإِنْ كَانَا مُشْرِكَيْنِ وَلَا طَاعَةَ لَهُمَا فِي مَعْصِيَةِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ.» «خوش‌رفتاری با پدر و مادر - اگر چه مشرک باشند - واجب است، اما پیروی از آنان در امر حرام و گناه، صحیح نیست.» (ابن‌بابویه، ۱۳۷۸ق، ج ۲: ۱۲۴).

رعایت حقوق والدین موفقیت زیادی را در طول زندگی عاید انسان می‌کند. فرزند وظیفه دارد صدایش را بالاتر از صدای پدر و مادر نبرد، با آنان به نرمی و نیکی سخن بگوید، سخن تند و توهین‌آمیز و حتی «اف» نگوید و به هنگام راه رفتن از آنان جلو نیفتد.

امام هشتم (علیه‌السلام) اشاره می‌کنند که در احسان به والدین مسلمان بودن آنان شرط نیست، بلکه حتی اگر مشرک باشند باز هم احترام و احسان به آنان واجب است. فقط در صورتی که والدین فرزند را به گناه و شرک فرمان دهند، اطاعت از آنان واجب نیست.

۵-۷ آراستگی در زندگی

امام رضا (علیه السلام) فرمودند: «أَرْبَعٌ مِنْ أَخْلَاقِ الْأَنْبِيَاءِ... التَّنْظِيفُ.» (از جمله اخلاق پیامبران... نظافت و پاکیزگی است.) (مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ج ۷۳: ۹۳).

پیامبران الهی از نظر ظاهر و باطن، پاکیزه و نظیف بودند. اخلاق زیبا و نرم آنان مردم را جذب می‌کرد و ظاهر آراسته و نیکوی آنان چشم‌نواز بود. روح انسانی عاشق و دل‌باخته زیبایی است.

اما در هر چیز لازم است حدّ اعتدال و میانه‌روی رعایت شود. مردم اغلب در رعایت برنامه‌های زندگی افراط و تفریط دارند و به بهانه‌های مختلف به تجمل‌پرستی و خودنمایی روی می‌آورند و چه بسا به حرام نیز مبتلا می‌شوند؛ مانند آرایش زنان در مقابل دید افراد نامحرم. با اینکه اسلام مخالف زینت و زیبایی نیست، اما زیاده‌روی در آن را نیز نمی‌پسندد. الگوی مردم در این زمینه نیز زندگی پیامبران است که بدون اسراف و تجمل، نظافت و پاکیزگی را رعایت می‌کردند به گونه‌ای که جزء اخلاق کریمه آنان شده بود.

۶-۷ صله رحم

امام رضا (علیه السلام) فرمود: «مَنْ سَرَّهُ أَنْ يُنْسَأَ فِي أَجَلِهِ وَ يُزَادَ فِي رِزْقِهِ فَلْيَصِلْ رَحِمَهُ.» (کسی که دوست دارد روزگار بیشتری در دنیا زندگی کند و روزی‌اش افزون گردد، صله رحم کند.) (صدوق، ۱۳۷۸ ق، ج ۲: ۴۴).

در روایت دیگری بزنطی از حضرت رضا (علیه السلام) و ایشان از امام صادق (علیه السلام) فواید صله رحم را چنین نقل می‌کند: «صله رحم وسیله‌ای است که مرگ را به تأخیر می‌اندازد و مال را زیاد می‌کند (افزایش‌دهنده مال و ثروت است) و در نزد اهل خویش باعث جلب محبت و محبوبیت می‌شود.» (همان، ۱۳۶۴: ۱۹۳).

امام‌رضا(علیه‌السلام) در روایت دیگری که از حضرت صادق(علیه‌السلام) در این خصوص نقل نموده‌اند، می‌فرمایند: «غیر از صلّه رحم چیزی که باعث افزایش عمر گردد، نمی‌شناسم به‌گونه‌ای که شخصی که عمرش سه سال است با ایجاد ارتباط با اقوام خویش عمرش سی سال افزایش می‌یابد و عمرش سی‌وسه سال می‌گردد. در مقابل، خداوند کسی که سنّ او سی‌وسه سال است به‌واسطه قطع صلّه رحم، سی‌سال از عمرش کم می‌کند و عمر او را سه سال قرار می‌دهد.» (کلینی، ۱۳۶۳، ج ۲: ۱۵).

۷-۷ برخورد همسان با ثروتمند و فقیر

امام‌رضا(علیه‌السلام) فرمود: «مَنْ لَقِيَ فَقِيرًا مُسْلِمًا فَسَلَّمَ عَلَيْهِ خِلَافَ سَلَامِهِ عَلَيِ الْأَغْنِيَاءِ لَقِيَ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَهُوَ عَلَيْهِ غَضَبَان.» (کسی که با مسلمان تهیدست روبرو شود و سلام و احوالپرسی با او برخلاف سلامی باشد که با ثروتمندان دارد، خدا را در قیامت خشمگین خواهد یافت.) (ابن بابویه، ۱۳۷۸ق، ج ۲: ۵۲).

۷-۸ شرط مسلمان بودن

امام‌رضا(علیه‌السلام) فرمود: «الْمُسْلِمُ الَّذِي يَسْلَمُ الْمُسْلِمُونَ مِنْ لِسَانِهِ وَ يَدِهِ لَيْسَ مِنَّا مَنْ لَمْ يَأْمَنْ جَارُهُ بَوَاقِعِهِ.» (مسلمان کسی است که مسلمانان دیگر از زبان و دستش آسوده باشند و کسی که همسایه‌اش از شرّ او در امان نباشد، از ما نیست.) (همان: ۲۴).

نزدیک‌ترین افراد پس از اعضای خانواده همسایه انسان است. اسلام برای همسایه جایگاه ویژه‌ای قابل است. سفارش‌های زیادی از پیشوایان دینی بر خدمت‌کردن و احترام به همسایه رسیده است تا جایی که پیامبر(ص) به امام‌علی(علیه‌السلام) و ابوذر و سلمان دستور دادند تا به مسجد بروند و با صدای بلند بگویند کسی که همسایه‌اش از شرّ او در امان نباشد، ایمان ندارد. (کلینی، ۱۳۶۳، ج ۲: ۶۶۶).

امام رضا (علیه السلام) در سخن دیگری می فرمایند: «مسلمان باید به گونه ای باشد که همسایگان، مردم کوچه و بازار [سایر مسلمانان] از دست و زبان او آسوده باشند. گفتار و کردار وی برای دیگران برکت داشته باشد. در سخن گفتن، نیک بگوید، با دیگران مشورت کند، احترام سایر افراد را نگه دارد، زبان بد نداشته باشد، فحش ندهد، ناسزا نگوید، بدزبانی نکند، دعوا نکند.» (ابن بابویه، ۱۳۷۸ ق، ج ۲: ۲۷).

۹-۷ مهربانی و ایجاد رفاه در خانواده

امام رضا (علیه السلام) از رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) نقل می کنند: «أَحْسَنُ النَّاسِ إِيمَانًا أَحْسَنُهُمْ خُلُقًا وَ الطُّفُّهُمْ بِأَهْلِهِ.» (کسی ایمانش برتر و بهتر از دیگران است که اخلاقش نیکوتر و نسبت به خانواده اش مهربان تر باشد.) (همان: ۳۸).

۱۰-۷ برنامه ریزی در زندگی

امام رضا (علیه السلام) می فرمایند: «لَا يَسْتَكْمِلُ عَبْدٌ حَقِيقَةَ الْإِيمَانِ حَتَّى يَكُونَ فِيهِ خِصَالٌ ثَلَاثٌ: التَّفَقُّهُ فِي الدِّينِ وَ حُسْنُ التَّقْدِيرِ فِي الْمَعِيشَةِ وَ الصَّبْرُ عَلَى الرَّزَايَا.» (حقیقت ایمان در بنده ای به کمال نمی رسد مگر اینکه سه خصلت در او باشد: دین را درست و کامل بفهمد، در معیشت خوب اندازه داری کند، در برابر بلاها بردبار باشد.) (ابن شعبه حرانی، ۱۳۶۳، ۴۴۶؛ عطاردی، ۱۴۰۶ ق، ج ۱: ۲۸۵).

نتایج

۱. حدیث «محاسن کلام» یا احیای امر از سخنان گهربار امام‌رضا (علیه‌السلام) است که شیخ صدوق در دو کتابش نقل کرده است.
۲. در این حدیث شریف امام (علیه‌السلام) تعلّم و تعلیم سخنان زیبای اهل بیت (علیهم‌السلام) را از این رو که همسو با فطرت انسان‌هاست، موجب زنده نگه‌داشتن نظام ولایی دانسته است.
۳. این روایت از نظر سند صحیح است و در آن امر ائمه (علیهم‌السلام) را علوم و فرهنگ اهل بیت (علیهم‌السلام) و روش احیای آن را برگزاری مجالس و تشکیل کلاس‌های معرفت‌افزایی معرفی می‌کند.

منابع و مأخذ

- قرآن کریم.
- ابن بابویه، محمد بن علی. (۱۳۶۱). معانی الاخبار. قم: انتشارات جامعه مدرسین.
- _____ (۱۳۶۴). ثواب الاعمال و عقاب الاعمال. یک جلد. قم: انتشارات شریف رضی.
- _____ (۱۳۷۸ق). عیون اخبار الرضا. ۲ جلد. چاپ اول. تهران: نشر جهان.
- _____ (۱۳۹۵ق). کمال الدین و تمام النعمه. چاپ دوم. تهران: اسلامیه.
- _____ (۱۴۱۳ق). من لا یحضره الفقیه. چاپ پنجم. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- ابن شعبه حرانی، حسن بن علی. (۱۳۶۳). تحف العقول عن آل الرسول (ص). قم: جامعه مدرسین.
- ابن منظور، ابوالفضل و جمال الدین، محمد بن مکرم. (۱۴۱۴ق). لسان العرب. ۱۵ جلد. چاپ سوم. بیروت: دارالفکر للطباعة و النشر و التوزیع. دار صادر.
- اعرجی کاظمی، محسن. (۱۴۱۵ق). عدّة الرجال. قم: اسماعیلیان.
- بحرانی، محمد سند. (۱۴۱۳ق). سند العروة الوثقی. صلاة المسافر، در یک جلد. چاپ اول. قم: مکتبۃ الداوری.
- بحرانی، یوسف. (بی تا). الحدائق الناضرة. ج ۱۳. قم: جامعه مدرسین.
- بروجردی، حسین. (۱۴۱۶ق). تقریر بحث السید البروجردی. ۲ جلد. چاپ اول. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- بروجردی، حسین. (۱۴۲۰ق). نهاییه التقرير. تقریر: محمد فاضل لنکرانی. چاپ سوم. قم: مرکز فقه الائمه الاطهار.
- جزایری، محمدجعفر. (۱۴۱۵ق). منتهی الدراریه فی توضیح الکفایه. چاپ چهارم. قم.
- جوهری، اسماعیل بن حماد. (۱۴۱۰ق). الصحاح - تاج اللغة و صحاح العربیه. ۶ جلد. چاپ اول. بیروت: دارالعلم للملایین.
- حائری، ابوعلی محمد بن اسماعیل. (۱۴۱۶ق). منتهی المقال فی أحوال الرجال. ج ۱. قم: آل البيت.
- حر عاملی، محمد بن حسن. (۱۴۱۶ق). وسائل الشیعه. قم: مؤسسه آل البيت.
- حلی (علامه)، حسن بن یوسف. (۱۳۸۱ق). رجال العلامة - خلاصه الأقوال. چاپ دوم. نجف اشرف: منشورات المطبعة الحیدریه.
- حمیری، عبدالله بن جعفر. (۱۴۱۳ق). قرب الإسناد (ط - الحدیثه). ۱ جلد. چاپ اول. قم: مؤسسه آل البيت.
- خمینی، سیدروح الله الموسوی. (۱۴۱۵ق). مکاسب المحرمه. چاپ اول. قم: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (قدس سره).
- خوبی، سید ابوالقاسم. (۱۴۰۳ق). معجم رجال الحدیث. چاپ سوم. قم: منشورات مدینه العلم.
- داوری، مسلم. (۱۴۲۶ق). اصول علم الرجال. تقریر: محمدعلی صالح المعلم. الطبعة الثانیه، مؤسسه المحبین.
- دلبری، سیدعلی. (۱۳۹۱). آشنایی با اصول علم رجال. چاپ اول. مشهد: دانشگاه علوم اسلامی رضوی.
- دیلمی، حسن بن ابی الحسن. (۱۴۱۲ق). إرشاد القلوب إلى الصواب. (دو جلد در یک مجلد). چاپ اول. قم: انتشارات

شریف رضی.

— راغب اصفهانی، حسین بن محمد. (۱۴۱۲ق). *المفردات فی غریب القرآن*. چاپ اول. بیروت: دارالعلم. دمشق: الدار الشامیه.

— شبر، سید عبدالله حسینی. (۱۴۰۴ق). *الأصول الأصلية و الفواعل الشرعية*. (در یک جلد). چاپ اول. قم: کتابفروشی مفید.

— شبیری زنجانی، سیدموسی. (۱۴۱۹ق). *کتاب نکاح*. ۲۳ جلد. چاپ اول. قم: مؤسسه پژوهشی رای برداز.

— صاحب‌بن‌عباد، اسماعیل بن عباد (کافی الکفاه). (۱۴۱۴ق). *المحیط فی اللغة*. ۱۰ جلد. چاپ اول. بیروت: عالم‌الکتاب.

— صدر، محمدباقر. (۱۴۰۸ق). *مباحث الأصول*. تقریر: کاظم حسینی حائری. چاپ اول. قم: مکتبه‌الاعلام الإسلامی.

— طبرسی، علی بن حسن. (۱۳۸۵ق). *مشکاة الأنوار فی غرر الأخبار*. ۱ جلد. چاپ دوم. نجف: مکتبه‌الحیدریه.

— طبرسی، فضل بن حسن. (۱۳۹۰ق). *إعلام الوری بأعلام الهدی*. یک جلد. چاپ سوم. تهران: دارالکتب الاسلامیه.

— طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن. (بی‌تا). *الفهرست*. یک جلد. نجف: مکتبه‌الرضویه.

— (۱۴۲۷ق). *رجال الشیخ الطوسی - الأبواب*. (در یک جلد). چاپ سوم.

دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

— عطاردی، عزیز الله. (۱۴۰۶ق). *مسند الإمام الرضا (علیه‌السلام)*. ۲ جلد. چاپ اول. مشهد: آستان قدس رضوی (کنگره).

— کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۳۶۳). *الکافی*. تهران: دارالکتب الاسلامیه.

— مامقانی، عبدالله. (۱۳۵۲ق). *تنقیح المقال فی علم الرجال*. ج ۱. نجف: مکتبه‌المرتضویه.

— (۱۴۱۱ق). *مقباس الهدایه*. تحقیق: محمدرضا المامقانی. قم: آل‌البيت.

— مجاهد، سیدمحمد بن علی. (۱۲۹۶ق). *مفاتیح الأصول*. چاپ اول. قم.

— مجلسی محمدباقر. (۱۴۰۳ق). *بحار الانوار*. بیروت: دارالاحیاء التراث العربی.

— منسوب به علی بن موسی، امام هشتم (علیه‌السلام). (۱۴۰۶ق). *الفقه المنسوب إلى الإمام الرضا (علیه‌السلام)*. ۱ جلد.

مؤسسه آل‌البيت (علیهم‌السلام). چاپ اول. مشهد: آستان قدس رضوی.

— نجاشی، احمد بن علی. (۱۴۱۶ق). *رجال النجاشی (فهرست أسماء مصنفی الشیعه)*. یک جلد. چاپ پنجم. قم: دفتر

انتشارات اسلامی.

— نمازی شاهرودی، علی. (۱۴۱۲ق). *مستدرکات علم رجال الحدیث*. ج ۱. تهران: چاپخانه شفق.

— نوری، میرزا حسین. (۱۴۰۸ق). *مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل*. چاپ اول. بیروت: مؤسسه آل‌البيت (علیهم‌السلام).

— وحید بهبهانی، محمدباقر. (۱۴۰۴ق). *الفوائد الرجالیه (چاپ‌شده به همراه رجال خاقانی)*. چاپ دوم. قم: مکتب‌الاعلام

الاسلامی.

— هاشمی شاهرودی، سید محمود و دیگران. (۱۴۲۳ق). *موسوعة الفقه الإسلامی طبقاً لمذهب أهل البيت (علیهم‌السلام)*.

۱۱ جلد. چاپ اول. قم: مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت (علیهم‌السلام).

